

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه مباحث گذشته

کسی که در موضع اتمام نماز را قصر بخواند مسلماً نمازش باطل بوده و باطل اعاده نماید. مرحوم سید (ره) یک مورد را استثناء نموده و می‌فرماید: اگر شخصی قصد إقامة در محلی داشت اما جاهل به اصل حکم بود؛ یعنی نمی‌دانست مقیم باید نماز را تمام بخواند و نماز را قصر خواند، نماز وی صحیح بوده و نیازی به اعاده یا قضا ندارد. در مقابل مرحوم امام (ره) فرمود: حتی مقیم جاهل نیز باید نماز را اعاده نماید.

ادله استثناء مذکور در مسئله سوم

برای استثناء مذکور در مجموع چهار دلیل می‌توان اقامه نمود که عمده آن در کتاب جواهر مطرح شده است:^[1]

دلیل اول: مشهور قاعده عدم معذوریت جاهل را مطرح نموده و می‌گویند: جاهل مانند عالم عامد باید اعاده نماید. هر چند برخی می‌فرمایند: مورد استثناء این قاعده جایی است که اتمام در موضع باشد اما تعابیر اکثر فقهاء در بیان استثناء مطلق بوده و مورد را قصر و اتمام بیان نموده‌اند و لذا آن را منحصر به اتمام در موضع قصر نمی‌دانند و شامل قصر در موضع اتمام نیز می‌شود.

اشکال این است که اطلاق و عبارات فقهاء در صورتی قابل قبول است که ادله در مقابل آن وجود نداشته باشد؛ در حالی که ادله و روایات در مقام بیان اتمام در موضع قصر هستند.

دلیل دوم: اشتراک در علت یعنی وجود جهل، اقتضا دارد حکم اتمام در موضع قصر، در مورد قصر در موضع اتمام نیز جاری شود.

اشکال این است که دلیل نداریم هر جهلی به اصل حکم سبب صحت شود و چه بسا جهل به اصل حکم در خصوص اتمام در موضع قصر مدنظر شارع قرار گرفته باشد.

دلیل سوم: روایتی که محمد بن اسحاق از امام کاظم (علیه السلام) نقل نموده است: «في المرأة التي صلت المغرب ركعتين في سفرها.» زنی در سفر شاید به این خیال که دو رکعت فرض الله و یک رکعت فرض النبی است و فرض النبی در سفر ساقط است، تنها فرض الله را به جا آورده است. امام (علیه السلام) در پاسخ می‌فرماید: «لَيْسَ عَلَيْهَا قَضَاءٌ.»^[2]

در پاسخ از این دلیل می‌توان گفت اولاً مرحوم شهید (ره) در دروس فرموده است روایت مذکور شاذ است و حتی مرحوم شیخ انصاری (ره) و مرحوم کاشف الغطاء (ره) شنود را به اصحاب نسبت داده‌اند.

خبر شاذ اصطلاحی در علم درایه و غیر از فتوی شاذ است. خبر شاذ یعنی خبری است که تمام یا بعض محدثین صدر اول آن را نقل ننموده باشند و تنها در برخی کتب نقل شده باشد و یا اگر هم توسط محدثین مذکور نقل شده است، توسط بزرگان بعد از ایشان نقل نشده باشد و یا اگر هم نقل شده باشد در مقابل آن تعداد زیادی خبر متواتر یا مستفیض و یا قاعده مسلم وجود داشته باشد.

در این صورت خبر شاذ از اعتبار ساقط است و لذا نیازی به بررسی إعراض یا عدم إعراض فقهاء نسبت به آن وجود ندارد. در مقیاس الهدایه مرحوم مامقانی (ره) چند احتمال در مورد معنای شاذ داده است.^[3]

ثانیاً با قطع نظر از شاذ بودن روایت محل بحث، این خبر نمی‌تواند مخصص قاعده معذوریت جاهل، روایات متواتری که می‌گوید نماز مغرب سه رکعت است، فعل پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) و حضرات معصومین (عليهم السلام)، اجماع مسلمین و ضرورتی که دال بر سه رکعت بودن نماز مغرب است، باشد.

ثالثاً روایت مذکور قابل تأویل است؛ یعنی مثلاً می‌توان تعبیر «لَيْسَ عَلَيْهَا قَضَاءٌ» را حمل بر استفهام انکاری نموده و گفت این شخص باید قضا نماید. یا این‌که مرأه در روایت را حمل بر مرأه غیر بالغ نمائیم که در مجموع این توجیهات بعید است. اما در هر صورت اشکال دوم وارد بوده و مسلم است که روایت مذکور قابلیت تقیید ادله را ندارد.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. «لو انعكس الفرض بأن صلى من فرضه التمام لإقامة و نحوها قصراً جاهلاً بالحكم فضلاً عن أن يكون عالماً لما عرفت، و في الروض و عن الحقائق أنه المشهور، بل ربما كان ظاهر جميع الأصحاب أيضاً حيث اقتصرنا في بيان المعذورية على الأولى التي لا يلزم منها المعذورية هنا قطعاً، إذ لعل العذر هناك من جهة أصالة التمام و معروفيته بخلافه هنا، خلافاً للمحكي عن جامع ابن سعيد فالصحة و عن مجمع البرهان نفي البعد عنها، و لعله لإطلاق استثنائهم الجهل بالقصر و الإتمام من القاعدة، و للاشتراك في العلية و لصحيح منصور عن الصادق (عليه السلام) «إذا أتيت بلدة و أزمعت المقام بها عشرة فأتى الصلاة، و إن تركه رجل جاهلاً فليس عليه الإعادة» و خبر محمد بن إسحاق عن أبي الحسن (عليه السلام) في المرأة التي صلت المغرب ركعتين في سفرها قال: «ليس عليها قضاء». جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج 14، ص: 346.

[2]. «و عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَ عَنْ امْرَأَةٍ كَانَتْ مَعْنًا فِي السَّفَرِ وَ كَانَتْ تُصَلِّي الْمَغْرِبَ رَكْعَتَيْنِ ذَاهِبَةً وَ جَائِيَةً قَالَ لَيْسَ عَلَيْهَا قَضَاءٌ». وسائل الشيعة، ج 8، ص: 507.

[3]. تمام کتب مرحوم مامقانی قابل استفاده و مفید است اما کتاب مذکور بسیار کتاب مفیدی بوده و خوب است آن را مباحثه کنید.